



سنجه ترازو

دکتر سید علی موسوی کرمارودی

نقدی بر کتاب «ترجمه های ممتاز قرآن در ترازوی نقد» نوشته: محمد علی کوشا، انتشارات کتاب مبین، رشت، ۱۳۸۲، چاپ اول، ۲۸۰ صفحه، قطع و زیری.

ایرانیان، این خجستگی و افتخار را دارند که نخستین مترجمان قرآن کریم اند. و اگر سلمان پارسی را نخستین مترجم قرآن به زبان فارسی بدانیم - که هست -؛ سابقه ترجمه قرآن به فارسی، به زمان خود پیامبر (ص)، بازمی گردد. این پیشینه فرخنده و خجسته، پس از ورود اسلام حتی به دورترین قلمرو حکومت ایران یعنی خراسان بزرگ و وزا رود، در آخر ربع اول قرن اول هجری، آخر پیایی، پیگیری نشده باشد، دست کم از اواخر قرن سوم به بعد، به گواهی ترجمه های فارسی بازمانه، [همچون ترجمه قرآن قدس] و امثال آن، دنبال شده است.

دغدغه رعایت امانت، بیش از هزار سال، ترجمه فارسی قرآن را در چهار چوب ترجمه لفظ به لفظ زندانی کرد و حتی گاهی ساختار زبان ترجمه ها را از فارسی به سوی ساختار عربی، سوق داد. هر چند که در این میان، گاهی مترجمی یافته می شود، از سیاق زبان فارسی، بیرون رفته و آثار بسیار زیبایی، از خود بر جای نهاده است مانند برخی از ترجمه های طبری و برخی از ترجمه های میددی و برخی از ترجمه های ابوبکر عتیق نیشابوری و امثال آنها.^۱

در پنجاه سال اخیر، کوشش هایی انجام گرفت تا ترجمه قرآن را با حفظ و رعایت امانت، از سیاق زبان فارسی، خارج نسازد. به عبارت دیگر؛ بین وفاداری و زیبایی، آشتی دهد.^۲ بهترین نمونه این کوشش، پیش از انقلاب، به نظر این جانب، ترجمه ابوالقاسم پاینده است. پس از انقلاب؛ گویی نهضتی در ترجمه قرآن، روی داده است که بی گمان، بسیار خجسته است و به «نمونه های زیبای وفادار» افزوده. این تحویل، هر چند ترجمه های قرآن کریم را از زندان

«تحت اللفظ» نجات داده است؛ اما بیم آن می رود که، «دغدغه امانت» را کم کم، کم رنگ کند. منتقدین، اهرم های ارزشمندی هستند که می توانند، مترجمان قرآن را، از سقوط به ورطه های ولنگاری در ترجمه قرآن و دور شدن از امانت، باز دارند.

یکی از که شاترین منتقدین در این عرصه، دانشمند محترم جناب آقای محمد علی کوشاست. ایشان در طول ده سال اخیر، در مجله های قرآنی معتبر چون ترجمان وحی، میراث جاویدان و بینات، نقد و بررسی های عالمانه ای از ترجمه های تازه قرآن به عمل آورده اند که بی گمان در بهبود ترجمه ها مؤثر بوده است.

اخیراً مجموعه هشت مقاله از نقدهای خود را در کتابی با نام «ترجمه های ممتاز قرآن در ترازوی نقد»، به چاپ سپرده و منتشر کرده اند. ما در این مقاله برآنیم که این ترازو را، در ترازوی سنجش بگذاریم:

شش نقد اول در این کتاب یعنی نقد ترجمه های دکتر ابوالقاسم امامی [دو نقد] و عبدالمحمد آیتی و بهاء الدین خرّمشاهی و محمد مهدی فولادوند و دکتر مصطفی خرّم دل، قبلاً در مجلات میراث جاویدان و یا ترجمان وحی چاپ شده است و نقد ترجمه احمد آرام از آیات قرآن کریم در الحیات، در مجله بینات چاپ شده، و نقد ترجمه خانم فاطمه مشایخ از تلخیص المیزان، قبلاً جایی چاپ نشده است.

این قلم، ضمن آنکه، کتاب مورد بحث را یکی از سودمندترین و با ارزش ترین آثار نقد در زمینه ترجمه های قرآنی و چنانکه عرض شد، در این زمینه آن را راهگشا و از کتب مرجع و شایسته توجه دانشجویان در دانشکده های علوم قرآنی می داند؛ اما به چند نکته که در هنگام خواندن آن، به نظر رسیده است، اشاره می کند:

در نقد ترجمه آقای دکتر ابوالقاسم امامی، هم ترجمه چاپ اول و هم ترجمه چاپ دوم را نقد کرده اند. در نقد چاپ اول، مجموعاً ۷۲ مورد ایراد بر ترجمه ایشان گرفته اند و پنج مورد نیز غلط چاپی را یاد آور شده اند.

اما، در نقد دوم، خواننده نمی داند که ناگهان چه پیش آمده است که ترجمه او را فراتر و برتر از شاهنامه فردوسی می داند و از جمله می نویسد که: «ترجمه ایشان «خداینامه ای برتر» از شاهنامه است؛ عین عبارات ایشان، این است:

اگر آن روز، ابوالقاسم فردوسی که مأخذ اثر بی مانندش، آثار منشوری چون «شاهنامه ابومنصوری» و «خداینامه ها» بوده و او هنرمندانه، از آن افسانه ها - به شیوه سخنوری و سخن پردازی - زیباترین اثر منظوم و پربارترین پیام پر ارج فرهنگ ساز، از خود بر جای

نهاده است، اکنون ما امروزه شاهد «خداینامه‌ای» برتر که برگرفته از بهترین کتاب عالم
جهد است، می‌باشیم.

توجه داشته باشید که ایشان نمی‌گویند که ترجمه آقای امامی چون اصل آن قرآن است، برتر
از شاهنامه است که منشأ آن، داستان است بلکه می‌گویند «ترجمه آقای امامی» خداینامه‌ای برتر
از شاهنامه فردوسی است.

در کشوری که شاهنامه شناسان و سخن شناسان بزرگی چون استاد دکتر شفیعی
خدکنی، استاد دکتر امین ریاحی، دکتر حمیدیان، دکتر خالقی مطلق و نظایر آنان را دارد، برتر
دانستن ترجمه جناب آقای امامی از فردوسی، یا نتیجه نشناختن فردوسی است یا دوستی بی‌اندازه
با آقای دکتر امامی.

بی‌گمان، جناب آقای کوشا، فردوسی را می‌شناسند. بنابراین باید گفت که این قضاوت،
تنها در نتیجه دوستی و نگاه مهرآمیز و به قول قدما، «عین الرضا» ست.
همین «عین الرضا» سبب شده است که ایشان، در نقد چاپ دوم از ترجمه آقای امامی، به
نقد بستند.

بنده هم، ترجمه جناب آقای دکتر امامی را که از دانشمندان برجسته کشورند، ارج می‌نهم و حتی
در ترجمه ناقابل خویش از قرآن که زیر چاپ دارم، یک مورد از پیشنهاد بسیار زیبای ایشان «گوستگی
و بیم فراخیز» در برابر «الباس الجوع والخوف» استفاده کرده‌ام و در زیر نویس، یادآور هم شده‌ام؛ اما
همه ما، بشریم و بشر از خطا مصون نیست.

اگر آقای کوشا، با عین الرضا به چاپ دوم ترجمه قرآن آقای دکتر نمی‌نگریستند، برخی
تغزیرها را - که در کار همه ما مترجمان کم و بیش هست - در ترجمه ایشان یاد آور می‌شدند ولی
از قدیم گفته‌اند: «و عین الرضا عن کل عیب کلیله».

بنده برای آنکه رجم به غیب نکرده باشم به چند مورد در ترجمه جناب آقای دکتر امامی اشاره می‌کنم:
۱. آقای دکتر امامی در آیه ۱۱۱ از همان سوره نحل، یعنی یک آیه پیش از همان آیه‌ای که ترجمه
بسیار زیبای ایشان را یاد آور شدم، «تجادل عن نفسها» را «در کار خویش ستیز کند» ترجمه فرموده‌اند، در
حالی جدال چون با «عن» متعدی شود بمعنی دفاع است نه ستیز.

۲. آقای امامی، کلمه «خود» را جمع بسته‌اند. ترجمه آیه ۱۱۱ سوره توبه، ص ۲۰۴ «خداوند از
کره بدگان، خنده‌هاشان را و خواسته‌هاشان را خریده است، به بهای این که بهشت از آن شان است...»

۳. در ترجمه آیه ۷ سوره ال عمران، راسخون فی العلم را فرورفتگان در دانش معنی فرموده‌اند،
در حالی که اسناد بدیع الزمان فروزانفر، «راسخ» را پابرجا و استوار معنی کرده است. ۵

۴. آخر آیه ۱۳۶ از سوره مبارک فاطر یعنی «له الملك و الذین تدعون من دونه ما يملكون من قطمير»
را چنین ترجمه فرموده‌اند: «... پادشاهی، او راست. کسانی که از فرو دست او می‌خوانید، هسته
رشته‌ای نتوانند، در حالی که قطمیر اگر چه در لغت به معنی نخواره‌ای است که در هسته
خرماست؛ در اینجا اصطلاح است یعنی «سر سوزنی» یا ذره‌ای.

۵. در ترجمه آیه ۱۱ سوره کهف: یعنی «فضرينا علی اذانهم» که باز یک اصطلاح است یعنی
آنان را به خواب بردیم؛ ترجمه فرموده‌اند: گوش‌هاشان را بر بستیم (ص ۲۹۴).

۶. در آیه ۲۷ از سوره دخان، نعمت را با نعمت اشتباه فرموده‌اند.

۷. لوشاه را در سوره محمد: آیه ۳۰ «اگر بخواهیم» معنی فرموده‌اند، در حالی که [جز یک
مورد استثنا که در کتب ادبی از جمله معنی آمده است] تقریباً همیشه بعد از «لو» هر فعل و لو
مضارع باشد؛ معنی ماضی می‌یابد؛ یعنی ترجمه «لوشاه» در این آیه «اگر می‌خواستیم» است نه
«اگر بخواهیم».

۸. در آیه ۷۷ سوره مؤمنون: «اذا» ظرف زمان مستقبل است، بنابراین در ترجمه «حتی اذا
لثعنا عليهم باباً اذا عذاب شدید» که فرموده‌اند: «تا چون دری از عذاب سخت بر آنان گشودیم»،
نادرست و بگشاییم درست است.

۹. در ترجمه «الا انهم يشنون صدورهم ليستخفوا منه» فرموده‌اند: «هان، آنان سینه‌هاشان را دو تا کنند که
از او نهان بدارند»، که بنده دو تا کردن سینه را واقعاً در نیافتیم به چه معنی است.

خوب، قرار نبود که بنده ترجمه جناب آقای دکتر امامی را نقد کنم؛ بلکه تنها می‌خواستم
یادآوری کنم که جناب آقای کوشا که مشابه موارد ذکر شده در بالا را، در مورد چند مترجم دیگر، با
دقت ذکر فرموده‌اند، چرا در مورد جناب آقای دکتر امامی، چشم پوشی فرموده‌اند. در حالی که
در ترجمه ایشان از مواردی که ذکر کردم بسیار یافته می‌شود و من تنها به عنوان نمونه آن چند مورد
را ذکر کردم و چنانکه عرض کردم قرار نیست که من، ترجمه استاد محترم جناب آقای دکتر امامی
را نقد کنم؛ قرار بود و هست که کتاب نقد آقای کوشا، سنجیده شود؛ بنابراین به چند مورد در
کتاب جناب آقای کوشا، اشاره می‌کنم:

۱. در نقد بر چاپ اول ترجمه استاد امامی، از صفحه ۱۹ کتاب؛ جناب آقای کوشا مرقوم
فرموده‌اند:

در ترجمه آیه ۲۱۶ بقره «کتب علیکم القتال» دکتر امامی مرقوم فرموده بوده‌اند: «بر شما جنگ
نوشته‌اند».

آقای کوشا ایراد گرفته‌اند که کتب مفرد است نه جمع و باید ترجمه می‌شد بر شما جنگ نوشته

این ایراد، درست نیست زیرا از راه های مجهول کردن فعل در زبان فارسی، استفاده از جمع است. بنابراین، ترجمه جناب آقای دکتر امامی، کاملاً درست و نیز فصیح تر است از شما جنگ نوشته شده است.

۲. آقای کوشا، همین ایراد را بر ایشان در ترجمه «و اذا نقر فی الناقور»، در صفحه ۴۱ کتاب خویش گرفته اند، که آن هم به همین دلیل، نارواست. و حق با جناب آقای دکتر امامی است. ۳. در صفحه ۳۰ از ترجمه آقای امامی ایراد گرفته اند که «و نحن نسبح بحمدک» را «ما نحن تو را با سپاس، ستایش می کنیم» ترجمه کرده اند در حالی که باید «و ما با ستایش (تو را) به پای می ستاییم» ترجمه می کردند.

در اینجا هم، حق با آقای دکتر امامی است زیرا نخستین معنی حمد، «سپاس» است و البته «ستایش» هم معنی دیگر آن است.

۴. در نقد بر ترجمه استاد بهاء الدین خرمشاهی، در ص ۱۵۳، بر ترجمه استاد ایراد گرفته اند که «انا لموسعون» را در آیه ۲۷ سوره ذاریات، «ما توانندیم» معنی کرده اند در حالی که باید معنی خود گسترش دهنده (آن) ایم» ترجمه می کردند.

باید عرض کنم که ابن قتیبه دینوری در کتاب غریب القرآن خود، (صفحه ۴۲۲، چاپ ۱۹۸۵ مصر)، آن را قادرون معنی کرده است؛ پس حق با استاد خرمشاهی است.

۵. در صفحه ۱۶۶ کتاب خود، از استاد محمد مهدی فولادوند ایراد گرفته اند که با توجه به ضمیر هن در آیه ۱۸۷ سوره بقره در «و لا تبشروهن»، آوردن ترجمه خود ضمیر، اولی است. ایراد من در این مورد به آقای کوشا این است که همین ایراد، عیناً در ترجمه آقای دکتر امامی نیز مشهود است؛ اما آقای کوشا از ایشان ایراد نگرفته اند و از دکتر فولادوند گرفته اند. دوباره و عین الرضا...

۶. در نقد بر ترجمه استاد آرام، در صفحه ۲۶۷ و ۲۶۸ که مرحوم استاد احمد آرام، در ترجمه «افلا يتدبرون القرآن»، آورده اند: «آیا در قرآن نمی اندیشند»؛ مرقوم فرموده اند:

«ترجمه دقیقی نمی تواند باشد، زیرا در هیچ کتاب لغتی، دَبَّرَ یا «فی» (= در) نیامده است... که باید عرض کنم این (در)، متعلق به اندیشیدن در فارسی است و نه تدبیر در عربی. ما در فارسی می گوییم اندیشیدن در قرآن و نمی گوییم قرآن اندیشیدن، یا اندیشیدن قرآن.

کتاب از غلط چاپی نیز، خالی نیست. هر چند غلط چاپی هشت پا (یا اختاپوس) چاپ در است و هر اندازه دقت شود، باز به پر و پای کتاب، می پیچد. به یک دو مورد، اشاره می کنم: در صفحه ۱۷۴ کتاب، در نقل ترجمه آقای دکتر امامی از آیه ۷ سوره اسراء نوشته اند: «پس ما وعده پسین فرارسد» در حالی که در ترجمه آقای دکتر امامی «پس هرگاه وعده پسین بار فرا آمده است. رجوع فرمایید: قرآن مجید، با ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی، چاپ اول، انتشارات...»، ص ۲۸۲، ذیل آیه هفتم از سوره مبارک اسراء.

در صفحه ۱۸۶ نام سوره الرحمن، آیه ۷۲ به اشتباه سوره واقعه، آیه ۷۲ آمده است. در صفحه ۱۸۷ شماره آیه های سوره معارج، در نقدی که بر ترجمه استاد فولادوند نوشته اند، آمده است که صحیح آن معارج، آیه های ۲۰ و ۲۱ است.

اجازه بفرمایید که به همین موارد بسنده کنیم و سخن آخر را بگوییم و آن اینکه، هیچ یک از این موارد، از ارزش گرانسنگ کتاب نمی کاهد. شخص من در ترجمه خویش از قرآن، از آن بهره های بسیار برده ام و چنانکه قبلاً هم عرض کردم، بی گمان، این اثر ارزشمند، بر ترجمه های بنده در جهت دقت و امانت، تأثیر بسیار خواهد گذارد. توفیق روزافزون مؤلف دانشمند و محترم آن را از خداوند خواستارم و جزاء الله عن القرآن خیر الجزاء.

۱. بهترین مرجع که هم آن قاعده و هم این استثنایا را با مبیری سنوی، عالمانه بررسی کرده است، دکتر آذرنوش در کتاب ارزشمند خود، «تاریخ ترجمه فارسی» است.
۲. فرانسوی ها گفته اند ترجمه به زن می ماند، اگر زیبا باشد، وفادار نیست، اگر وفادار باشد، زیبا نیست!
۳. محمد علی کوشا، ترجمه های ممتاز قرآن در ترازوی نقد/ ۲۷.
۴. در سوره مبارک نحل، آیه ۱۱۲.
۵. ر. ک: فروزانفر، فرهنگ تازی به پارسی/ ۲۲۵.

۷۷۹۸

۷۷۹۸